

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هواداران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۲۰ اگست ۲۰۲۳



فاشیسم تمام عیار طالبانی، تحفه اهدانی امپریالیسم و ارتجاع به مردم افغانستان

(۵)

هدفی نمایی برای کسب وجهه به گروه و اداره غدار طالبان:

سران و فرماندهان گروه طالبان به مثابه فرزند خلف امپریالیسم و ارتجاع، نیروهای پوشالی مزدوری اند که به لطف اشغال نظامی کشور و حمایت همه جانبه دول اشغالگر امپریالیستی و ارتجاع حاکم کشور های همجوار و منطقه، به مسند امارت تکیه زدند. در دو سال اخیر دول امپریالیستی غربی (امریکا و شرکاء) و شرقی (روسیه و چین) به اضافه دول توسعه طلب منطقه (پاکستان، ایران، همسایگان شمال در آسیای میانه، ترکیه، هند، قطر، عربستان سعودی و سائر دول عربی، چشم طمع به ثروت ملی مردم افغانستان دوخته و به قصد بیگماری اقتصادی و نفوذ سیاسی - امنیتی در افغانستان، بر گروه نیابتی طالبان سرمایه گذاری کرده و هر یکی در پرتو سیاست ها، نیازها و اهداف آزمندانۀ نو استعماری شان، با حفظ و تداوم روابط پیدا و پنهان با این گروه، در قبال طالبان و کشور ما رویکردی متفاوت ارتجاعی مداخله گرانه و توسعه جویانه داشته است.

دول استعمارگر و متجاوز طالب پرور امریکا - ناتو و به تبع آن، سائر دول جهان زیر فشار افکار عامه بابت سبعیت و جنایت فاشیستی مخلوق خود - گروه و امارت طالبان - در حق زنان و مردان تحت ستم افغانستان، پس از گذشت دو سال به شناسائی رسمی این گروه و اداره نرسیده اند. این دول به شمول "ملل متحد" و سائر پایدوان هرزه تسلیم طلب بومی شان طی این دو سال در عین انتقادات نرم سالوسانه از طرز نگرش و عملکرد ضد انسانی طالبان و اغماض

جنایتکارانه بر جنایات طالبان، کوشیده اند که نزد افکار عامه جهانی بین خود به عنوان آفریدگار طالب و مخلوق طالبانی و جنایتش دیوار چین بکشند.

امپریالیسم امریکا همراه با متحدان و سازمان ها و نهاد های مالی تحت امرش (ملل متحد، بانک جهانی و...) در عین حمایت همه جانبه از طالبان در خفا و علن و روی پای ایستاده نگه داشتن این دیوار فرسوده و بی بنیان، طی ماه های اخیر از مجاری مالی و دیپلماتیک (نشست های منطقه ئی نمایندگان امریکا در آسیای میانه، نشست دوحه و دو گزارش بانک جهانی از بهبود عملکرد اقتصادی طالبان، با انگیزه سیاسی دست به سفید نمائی چهره کریمه فایشیست های طالبی و کسب وجهه به این گروه و اداره ضد ملی و جنایتکار زده اند.

همین دیروز گزارش اخیر سازمان "برنامه جهانی غذا"، رسانه ای شد و طبق آن ۲۹ میلیون شهروند افغانستان به کمک نیاز دارند و منابع "ملل متحد" قبل بر این از فقر ۹۰ فیصدی در افغانستان گزارش داده بودند. بانک جهانی به مثابه بازوی مالی سرمایه امپریالیستی و به ویژه امریکائی با انگیزه غیرشریفانه سیاسی بدون توجه به واقعیت های میدانی داخل افغانستان، با ارائه دو گزارش یکی به تاریخ ۳۰ ماه می و دیگری به تاریخ ۳۱ جولای دست به سفید نمائی طالبان زد. در هر دو گزارش، بانک جهانی به گونه هدفمند با گریز از واقعیت فقر و بیکاری فراگیر مردم ما پس از آمدن طالبان، با منطق نئولیبرالی به ارائه ارقام فریبنده از قبیل رشد فیصدی صادرات بدون ارائه ارقام واقعی صادرات و واردات و تفاوت فاحش میان صادرات و واردات (بیلانس یا ترازنامه منفی تجارتي)، هدف اغوای مردم افغانستان و جهان را در مد نظر داشته است.

موازی با اغواگری بانک جهانی در نقش بازوی مالی، قانونگذار و ناظر سرمایه مالی امپریالیسم غدار امریکا، در عرصه دیپلماتیک و تبلیغاتی نمایندگان دولت امریکا، انگلستان، "ملل متحد" و رسانه های تحت کنترل آنان نیز در عین حفظ روابط پنهانی و داشتن حضور و نفوذ در افغانستان، از لحاظ سیاسی، دیپلماتیک و حقوقی برای به رسمیت شناختن و کسب اعتبار به این اداره جنایتکار و مزدور زمینه سازی می کنند. دیدار اخیر سه تن از نمایندگان دولت امریکا (تام وست، رینا امیری و کارن دکر) با ملا امیر خان متقی و تیم طالبی اش به میزبانی دولت کارگزار دوحه به روز های ۳۰ و ۳۱ جولای در دوحه قطر، مثالی از تلاش دول امریکا و غرب برای به رسمیت شناخته شدن این گروه در دایره ترسیم شده توسط غرب (چارچوبه شرایط غرب) محسوب می شود. هدف این تمهید سیاسی - حقوقی برای تهاجم آشکار و گسترده سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی به افغانستان؛ دست بالا داشتن در کشور ما و سد شدن فرصت طلبی و درازدستی چین، روسیه و ایران در افغانستان و مهار تجاسر دولت پاکستان و حفظ تعادل موجود در تعامل منطقه ئی آن.

این دیدارها با شرکت هیاتی به رهبری امیر خان متقی، سرپرست وزارت خارجه حکومت طالبان برگزار شده است. هیات امریکائی در این دیدار متشکل از توماس وست نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور افغانستان، رینا امیری و کارن دکر مسؤول هیأت امریکا برای افغانستان در دوحه، بوده است.

در پیامد این دیدار، ادعای مسخره و مضحک رینا امیری در نقش مأمور موظف دولت امریکا به حیث "نماینده ویژه دختران و زنان افغانستان" اعتراض های گسترده ای را در نهاد ها و رسانه ها برانگیخت. تعدادی زنان و مردان جامعه ما در عین فراموشی این که رینا امیری مثل خلیزاد، تام وست و سفر مقیم آن در قطر کارن دکر، مأمور مجبور و معاش خور یک دولت متجاوز است و فقط در نقش مجری اوامر بالادست ها و در دایره منافع طبقاتی آنان عمل می کند، کاسه و کوزه را بر سر وی شکستند، نه بر سر زمامداران جنایتگستر و طالب پرور قصر سفید.

ودانت پاتل، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به این اعتراضات، دفاع از مأموریت سفید نمائی طالبان توسط رینا امیری و دو همکارش در نقش مأموران و مجریان دولت آمریکا را بر پایه "منافع آمریکا" توجیه کرد.

و- جمع بندی:

۱- رشد، تقویت و سرانجام نصب شدن مزدوران میهن فروش قرون وسطائی طالبان بر اریکه قدرت، نه محصول مبارزه این گروه علیه نیرو های اشغالگر، بلکه محصول اشغال امپریالیستی ۲۰ ساله افغانستان، تبنائی طالبان با اشغالگران و معاندان کشور و قاتلان خلق افغانستان، حمایت استعماری - ارتجاعي از این گروه و نشاندن آن به جای مزدوران قبلی و تحمیل سلطه تراز فاشیستی آن به دوش زخمی مردم افغانستان با مقاصد توسعه جوئی و غارتگری مزید، بوده است.

۲- با این ماهیت ضد ملی و ضد مردمی، حاکمیت پوشالی تحمیلی خودفروختگان طالبان فاقد ذره ای مشروعیت ملی و اجتماعی است و به تبع آن، هر گونه سیاست و اقدام عملی آن در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دیپلماتیک و علمی تأثیرگذار بر سرنوشت حال و آتیۀ مردم مظلوم کشور ما فاقد اعتبار می باشد. لذا هر نوع معامله بر سر غارت ثروت ملی مردم افغانستان توسط این اداره نامشروع و دولت ها و شرکت های غارتگر و یا زمینه سازی برای آن، در حکم چپاول و در نتیجه خیانت ملی است.

۳- گروه جنایتکار طالبان و آفریدگاران و حامیان متعدد بیرونی آن، کوهواره جنایات هولناکی را در کارنامه شان در حق کشور و مردم ستمکش ما دارند. فاشیسم تئوکراتیک طالبانی داغ نازدودنی ننگیست تا ابد بر جبین امپریالیسم. امپریالیسم اشغالگر آمریکا و شرکاء به مثابه عامل اساسی برگشت طالبان، شریک جنایات هولناک طالبان بوده و در دادگاه وجدان انسانی و محکمه تاریخ محکوم اند و از آن جدا نشدنی.

وجدان پاک انسانی و آنانی که اهل غرض و مرض نیستند، نمی توانند از جنایات طالب بگویند و علیه آن بشورند، ولی از امپریالیسم متجاوز و ارتجاع منطقه ئی همکار آن که عوامل اساسی جنایات پارینه و جاریه طالب محسوب می شوند، یادی نکرده و در برابر آن سکوت کنند.

آن دسته از زنان و مردان و نهاد ها و رسانه های افغان که از ستمروائی تراز فاشیستی طالبان به ویژه در حق دختران و زنان اسیر کشور و از خیانت های آن در حق منافع ملی شکایت دارند و در قبال آن دست به اعتراض بحق می زنند، اما به دلیل کوتاه بینی، فقدان بینش سیاسی و در پاره ای از موارد تداوم همان خیانت دیروزی، امپریالیسم متجاوز خداوندگار و حامی طالبان را از این گروه و جنایاتش جدا می کنند؛ در قبال نقش طالب پروری و بر کشیدن آن سکوت پیشه می کنند؛ و یا بد تر از این، چشم امید به ترحم و توجه "جامعه جهانی" دوخته اند، در واقع تکرار همان نغمه های تسلیم طلبانه خیانت پیشگان و تسلیم طلبان خودفروخته سیاسی کار "حزب ساز" و "ان جی او" باز "ضد بنیادگرا" و "ضد فئودالیست" و "جاده صاف کن چپ نما"ی همبسته با اشغالگران و کمر بسته در خدمت آن، در شرایط جدید است. دیروز این خیانت پیشگان و تسلیم طلبان تسلیم شده به آمریکا و ناتوی جنایتکار در سه طیف تسلیم طلب، در شرایط اشغال نظامی کشور ما با وقاحت تمام سر از گریبان استعمار بر آورده، برای آن "جاده سازی" کرده و به قول زنده یاد "قیوم رهبر"، خائنانه رسالت "متمدن سازی" امپریالیسم متجاوز و قاتل را در افغانستان مستعمره تبلیغ کرده و آن قاتل خلق و اشغالگر متجاوز را فرشته صلح، نجات و عامل رستگاری خلق از شر فئودالیسم و اخوان و اسباب ترقی کشور در بند ما می نامیدند.

طیف دیگر خیانت پیشگان و تسلیم طلبان ذاتی در میان بقایا و رهبران فراری مزدور و مرتجع دیروزی جهادی و ملیشئی و تکنوکرات اند. این مزدوران گریزی در عین ابراز آمادگی به تکرار خیانت ملی و رقصیدن به ساز دهل امریکا و شرکاء، برای به دست آوردن ثروت های غیرمنقول شان و دریافت سهم روباه در قدرت زیر رهبری طالب، منتظر فرمان اربابان دیروزی خویش اند. اوج این وابستگی و مزدور منشی تاریخی نیرو های تاریخ زده و التماس و دریوزگی آنان به درگاه استعمار - ارتجاع را جنرال ماشینی رشید دوستم رهبر ملیشئی ارتجاع قومی به تاریخ ۱۷ اگست چنین به نمایش گذاشت: "... هر زمانی که جامعه جهانی و کشور های همسایه به این باور رسیدند که نمی توانند با طالبان کنار بیایند، آن زمان اعضای جبهه مقاومت علیه طالبان دست به اقدام خواهند زد".

گفتنی است که سوای داعش، کلیه تحركات سیاسی، نظامی، تبلیغتی و استخباراتی بقایای جهادی - ملیشئی در قالب های "جبهه"، "شورا" و "سپاه" و صحنه سازی به منظور بزرگ نمائی و جلب توجه بیرونی و اغوای جوانان معترض و منزجر کشور برای رسیدن به اهداف فوق است، زیرا این دار و دسته امتحان داده و ناکام، نه برنامه ای خارج از دایره استعماری و مواضع ارتجاعی در دست دارند و نه به تنهایی به مثابه بدیل طالبان در دست امپریالیسم و دولت های مرتجع و آزمند همجوار و منطقه، مطرح اند.

ادامه دارد